

شورای فرهنگ عمومی و تأثیر مصوبه‌های آن بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی

عباس مقتدایی^۱، کبری راعی^۲

چکیده

در این مقاله جایگاه شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان در ساماندهی امور فرهنگی مطالعه شده و بررسی وضعیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۹ داده‌های پژوهش را تشکیل می‌دهد. روش بررسی، تحلیل محتوای مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی با استفاده از آزمون‌های «نخی دو» و «دوجمله‌ای» رابطه بین نوع مصوبه‌ها بر اساس آیین‌نامه‌ها و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با ساماندهی امور فرهنگی سنجیده شده است. نتایج نشان داد که بین مصوبه‌های مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی با ساماندهی امور فرهنگی رابطه مستقیم وجود داشت؛ همچنین نیمی از مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی در امر سیاست‌گذاری فرهنگی، مرتبط و در وظیفه برنامه‌ریزی، بیشتر مصوبه‌ها نامرتبط با وظایف شورا بودند.

واژگان کلیدی

شورای فرهنگ عمومی، امور فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۲۸

info@moghtadaei.ir

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان

k.raee90@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه علوم و تحقیقات اصفهان

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲
❖ مقدمه

بی‌شک مؤثرترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را شکل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بعدهای، اقتصادی، سیاسی، صنعتی، نظامی و ... قدرتمند باشد، میان تهی خواهد بود. یکی از مواردی که باعث پویا نبودن فرهنگ هر کشوری می‌شود، ناکارآمدی سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی آن کشور است؛ بنابراین بازنگری بنیادین بر فعالیت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی از ضرورت‌های هر جامعه‌ای است (صالحی‌امیری و کاووسی، ۱۳۸۷: ۷۵).

شورای فرهنگ عمومی یکی از نهادهای اجرایی فرهنگی است که نقش بسزایی در ساماندهی امور فرهنگی به عهده دارد و با توجه به اهمیت مسئله فرهنگ عمومی و امور فرهنگی در ادامه به بررسی جایگاه شورای فرهنگ عمومی در ساماندهی امور فرهنگی در استان اصفهان پرداخته می‌شود.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران و ضرورت انقلاب فرهنگی، بر اساس فرمان حضرت امام خمینی^(ره) در سال ۱۳۶۳ «شورای عالی انقلاب فرهنگی» شکل گرفت. این شورا به‌عنوان عالی‌ترین ارگان تصمیم‌گیری در مسائل فرهنگی کشور در چهل و سومین و چهل و چهارمین جلسه مورخ ۷ و ۱۴ آبان ۱۳۶۴ آیین‌نامه‌ای را تصویب کرد که بر مبنای آن شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف شد به‌منظور تعیین اهداف و سیاست‌گذاری و هدایت فرهنگ عمومی کشور، شورایی زیر نظر خود به‌نام «شورای فرهنگ عمومی» تشکیل دهد. بر این اساس شورای فرهنگ عمومی با عضویت تعدادی از مدیران بخش‌های فرهنگی و مرتبط با آن و نیز شخصیت‌های فرهیخته و علمی موجودیت یافت.

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

تدوین اصول سیاست‌های فرهنگی، تحقیق در زمینه مسائل فرهنگی، مطالعه دائمی وضع فرهنگ عمومی و ارزیابی آن، همچنین تهیه گزارش سالیانه و عرضه آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله وظایف این شورا است.

بر این اساس شورای فرهنگ عمومی استان در مرکز هر استان با هدف شناخت و اطلاع از وضع فرهنگ عمومی و اصلاح و ارتقای آن، نظارت و پیگیری مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی زیر نظر شورای فرهنگ عمومی کشور تشکیل و در استان اصفهان نیز اولین جلسه شورای فرهنگ عمومی استان در آذر ۱۳۷۲ تشکیل شد.

در استان اصفهان نیز که از دیرباز سابقه‌ای طولانی در عرصه فرهنگ و تمدن کشور داشته و عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام و پایتخت فرهنگ و تمدن ایران اسلامی را با خود همراه دارد، شورای فرهنگ عمومی استان به‌عنوان بالاترین رکن برنامه‌ریزی و هماهنگی فعالیت‌ها و راهبردهای فرهنگی استان، ابزاری قوی در دست تصمیم‌گیرندگان و متولیان فرهنگی استان در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی است تا با ایجاد هم‌گرایی میان دستگاه‌های فرهنگی برای بهبود سطح فرهنگ عمومی استان تلاش کند؛ همچنین در ادامه فعالیت‌های شورای فرهنگ عمومی در استان و مطابق با ماده ۵ آیین‌نامه این شورا، شورای فرهنگ عمومی شهرستان‌ها نیز از سال ۱۳۸۵ زیر نظر شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان آغاز به کار کرد.

نکته قابل توجه اینجاست که بحث از فرهنگ عمومی بیشتر در زمینه مباحث نظری ارائه و کمتر به موارد کاربردی و نقش نظام‌های فرهنگی در جامعه توجه شده است. بر همین اساس در این مقاله تلاش بر آن است که با شناسایی و تجزیه و تحلیل جایگاه شورای فرهنگ عمومی در ساختار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

استان و با بررسی موضوع‌های فرهنگی مورد توجه در شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد مؤثر فرهنگی در استان، روند فعالیت آن بررسی شود؛ به همین منظور با بررسی مصوبه‌های شورا، رابطه بین سیاست‌گذاری فرهنگی شورا و برنامه‌ریزی آن با ساماندهی امور فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. با توجه به موارد طرح‌شده، کلیات مبانی مورد نیاز بررسی حاضر ارائه می‌شود.

مبانی نظری

واژه فرهنگ عمومی به مواردی از قبیل سیاست‌های عمومی، عقاید، ارتباطات و رفتار برمی‌گردد؛ همچنین به رابطه میان افراد و دولت نیز مرتبط می‌شود. دقت در این تعبیر نشان‌دهنده آن است که فرهنگ عمومی حوزه‌ای از فرهنگ است که اگر توسط دولت و سیاست‌ها و برنامه‌هایی که برای عموم مردم دارد، شکل نگیرد، دست‌کم در تعامل میان مردم و دولت شکل می‌گیرد (گوهری‌پور، ۱۳۸۹: ۴۹).

«سیاست فرهنگی» مجموعه‌ای از هدف‌های آرمانی، عملی و ابزاری است که گروهی آن‌را دنبال می‌کنند و قدرتی آن‌را به‌کار می‌برد. سیاست‌های فرهنگی صرف‌نظر از اینکه کارگزار یا عامل آن، چه کسی باشد، نیازمند وجود هدف‌های (آرمانی) بلندمدت (هدف‌های عملی)، کوتاه‌مدت و قابل سنجش و ابزار و وسایل، نیروی انسانی، منابع مالی، قوانین و مقررات است که در مجموعه کاملاً منسجمی تدوین شده باشد (ژیرارد، ۱۳۷۲: ۱۷۱).

بر اساس مصوبه ۱۳۷۱/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد اصول سیاست

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سیاست فرهنگی این‌گونه تعریف شده است:

سیاست فرهنگی در حقیقت همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و

متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعايه در حرکت فرهنگی است. سیاست فرهنگی را می‌توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه‌هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می‌دهد (سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۱: ۷).

الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی

یکسان‌سازی فرهنگی

این الگو همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، به دنبال یگانه‌سازی فرهنگی در جامعه است. بر اساس این الگو، نوعی اصول و ارزش‌های مقدس وجود دارد که باید سایرین آن‌را بپذیرند. به عبارت دقیق‌تر، این الگو تصویری والا و معنوی از فرهنگ درون خویش دارد که بر مبنای آن، طراحی هندسی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها را در عرصه اجتماعی طراحی می‌کند و همگام با پیشرفت آن، یک جامعه هندسی و سلسله‌مراتبی مبتنی بر ارزش‌های والا نیز تحقق عینی می‌یابد (صالحی‌امیری و حیدری‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۵).

از نظر امکان تحقق، بر اساس آنچه گذشت، به نظر می‌رسد تحقق این الگو اگر محال نباشد، قطعاً بسیار دشوار خواهد بود؛ زیرا نیازمند خشونت مادی و معنوی بسیاری است.

تکثرگرایی فرهنگی

الگوی تکثرگرایی فرهنگی در پی رشد و گسترش خرده‌فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر و به صورت هم‌عرض به وجود آمده است. در جوامعی که به تکثرگرایی فرهنگی تن درمی‌دهند، نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی حاکم است و ارزش‌ها و اصولی که دارای ارزش و قداست قطعی می‌باشند، در این جوامع وجود ندارد؛ البته در عالم واقع به نظر می‌رسد پیش‌گرفتن چنین الگویی بسیار مشکل و دارای تبعات فراوان

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پیاپی ۱۳۸۲
 باشد. بزرگ‌ترین خطری که معمولاً جوامع دارای الگوی سیاست فرهنگی تکثرگرا را تهدید می‌کند، تجزیه است (همان: ۴۷).

وحدت در تکثر فرهنگی

این الگو ضمن تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی، امکان تکثر خرده‌فرهنگ‌های مختلف را در چارچوب نمادی مشترک مجاز می‌داند؛ به عبارت دیگر در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از سؤال‌های بنیادی در مورد جهان، انسان، خدا، غایت و وظیفه انسان نسبت به آنها و ارزش و قداست‌شان وجود دارد. تأکید بر این فصول مشترک، برجسته کردن آنها و در عین حال به رسمیت شناختن تنوع‌ها و تکثرهای فرهنگی، ویژگی بارز الگوی وحدت در تکثر فرهنگی است (صالحی‌امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۹ - ۹۵).

الگوی شریعت‌مدارانه (توحیدی)

این الگو بر موازین شرعی یا اصول اخلاقی متکی بر شریعت اسلامی استوار است و از الگوهای بنیادینی است که از بدو پیروزی انقلاب در دستور کار مسئولان فرهنگی کشور قرار گرفته و در زمره اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران بوده است. مبانی نظری آن شامل شرع مقدس و حدود غیرقابل تغییر و بدون شرطی است که در هر زمان و مکان لازم‌الاجراست؛ اجرای حدود الهی به معنای فراهم آوردن زمینه عبادت خداوند و گسترش آن است و امکان بروز گناه در جامعه مسلمانان را به حداقل می‌رساند. این راهی است که رضای خداوند را دربر دارد و سعادت مردم را ممکن می‌سازد (کاشی و جواد، ۱۳۸۱: ۴۳).

الگوی توسعه‌گرا

این الگو بعد از انقلاب اسلامی ایران در صحنه حضور داشته و در حوزه سامان بخشیدن به عرصه فرهنگ عمل کرده است. بر اساس این الگو، حوزه باورها و

رفتارهای عمومی چنان سامان می‌یابد و تحول می‌پذیرد که مددکار فعالیت‌های کشور در عرصه‌های گسترده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. برحسب این دیدگاه، تکنولوژی مدرن و بسط ظرفیت‌های اقتصادی و تولیدی، نیازمند برانگیختن ایستارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری خاص میان عموم مردم است. عامل حجیت این الگو نیز عقل مصلحت‌اندیش است؛ یعنی اگر افراد، احکام ناشی از این الگو را نمی‌پذیرند، در اثر جهل آنها نسبت به مصالح خویش است؛ درحالی‌که تعقل، عمیق‌تر نشان خواهد داد این احکام به صلاح آنهاست (کاووسی و چاوش‌باشی، ۱۳۸۷: ۴۸).

جدول ۱. الگوهای فرهنگی، استراتژی فرهنگی و هدف آنها (برگرفته از یافته‌های محقق)

الگوهای فرهنگی	استراتژی فرهنگی	هدف
وحدت فرهنگی	تأکید بر یگانه‌سازی و یک‌شکلی فرهنگی و سرکوب خرده‌فرهنگ‌ها	کنترل فرهنگی
تکثرگرایی فرهنگی	به رسمیت شناختن خرده‌فرهنگ‌ها و فراهم‌کردن امکان رشد و گسترش آنها	وحدت نمادی
وحدت در تکثر فرهنگی	تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی در کنار به رسمیت شناختن تنوع و تکثر فرهنگی	وحدت نمادی و کنترل فرهنگی
شریعت‌مدارانه (توحیدی)	تأکید بر موازین شرعی یا اصول اخلاقی متکی بر شریعت اسلامی	جلب رضایت خداوند و تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان
توسعه‌گرا	متقاعد شدن فرد به پیروی از مجموعه ضوابط عقلانی و خردمندانه در رفتار اجتماعی با دیگران	تأمین مصالح جمعی و در پرتو آن تأمین مصالح فردی

برنامه‌ریزی فرهنگی

منظور از برنامه‌ریزی، مداخله‌های هدفمند و آگاهانه انسانی در سیر حوادث و فرایندهاست که نتیجه آن ممکن است موفقیت‌آمیز باشد. اگر نتایج موفقیت‌آمیز

باشد (یعنی حوادث و فرایندها عیناً همانند آنچه در برنامه تصور آنها رفته، در عالم واقع بازتولید شوند) در این صورت می‌توان به این مجموعه از حوادث و فرایندهای بازتولیدشده مفهوم برنامه‌ریزی را اطلاق کرد. پس منظور از مفهوم «برنامه‌ریزی شده» آن دسته از حوادث و فرایندهایی است که توسط مداخله‌های آگاهانه انسانی شکل گرفته و در واقعیت بازتولید شده‌اند. برنامه‌ریزی فرهنگی می‌تواند برای بالا بردن نظام‌مندی عرصه‌های نرم‌افزاری جامعه نقش به‌نسبت کلیدی ایفا کند که این خود می‌تواند بسترسازی فرهنگی مناسبی برای عرصه‌های سخت‌افزاری جامعه مانند سیاست و اقتصاد فراهم نماید (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۰).

ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی را باید در دو چیز جستجو کرد؛ نخست در کارکرد دوگانه و تناقض‌آمیز فرهنگ؛ یعنی کارکرد تغییر و تداوم آن و دوم، جوامعی نظیر جامعه ما که مرحله گذر را طی و تحول‌های سریع و ناهمگون و نابرابر را تجربه می‌کنند، هم‌زمان احتیاج به نظم و تغییرهای همگون و جهت‌دار دارند. از چهار خرده‌نظام اجتماعی، تنها حوزه‌ای که می‌تواند هم‌زمان سهم مؤثری در ایجاد نظم و تغییر داشته باشد، خرده‌نظام فرهنگی جامعه است. از همین روست که ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی به‌ویژه برای جوامع در حال گذر برجسته می‌شود. در عین حال در برنامه‌های فرهنگی باید تحول‌های اجتماعی و نیازهای فرهنگی نیز در نظر گرفته شود (مسجدجامعی، ۱۳۸۱: ۸).

برنامه‌ریزی دارای انواع مختلف و اشکال گوناگونی است؛ به‌طور مثال برنامه‌ریزی فرهنگی برحسب سرمشق‌های اساسی موجود به بخش‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شود. از یک‌سو وجود سرمشق‌های آرمان‌شهرگرا، واقع‌گرا، راهبردی و توسعه‌گرا منشأ پیدایش انواعی از برنامه‌ریزی‌های فرهنگی شده است. از سوی

❖ دیگر، می‌توان بر اساس میزان فراگیری و پیوستگی برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به صورت‌بندی دیگری در زمینه طبقه‌بندی انواع برنامه‌ریزی فرهنگی دست یافت.

رویکردهای مختلف برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران

نظام فرهنگی ما تابعی از سیاست‌های توسعه کشور است؛ زیرا همه نظام‌های بین‌المللی یک رویکرد توسعه‌ای برای خود دارند. این رویکرد به استراتژی‌های مختلف تقسیم می‌شود:

رویکرد بسط‌محور: در این گفتمان، مرز امنیتی تا مرزهای ایدئولوژیک، همچنین دفاع از کیان اسلام و گسترش و صدور انقلاب اسلامی به جهان بوده است. این رویکرد که در مقابل نگرش‌های ملی‌گرایانه شکل گرفت، گرایش‌های ضدامپریالیستی و ضداستعماری، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی ملی، صدور انقلاب و دفاع از آرمان‌های انقلاب هم‌سو با اهداف و استراتژی جمهوری اسلامی را تعریف می‌کند.

رویکرد حفظ‌محور: اهداف ملی در این گفتمان، حفظ و حراست از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و نیز حراست از ارزش‌های اسلامی و ملی - اسلامی بر اساس رویکرد حفظ‌محور است؛ به تعبیری، حفظ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، حفظ نظام اعتقادی و ایدئولوژیک اسلامی، ایجاد وفاق و وحدت ملی؛ بنابراین نظام‌های حفظ‌محور بر نگرشی با عنوان «امنیت ملی» مبتنی است. امنیت ملی رویکردهای توسعه را شکل می‌دهد و دارای مؤلفه‌های حوزه قدرت سخت و نرم است (کاووسی و چاوش‌باشی، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۷).

رویکرد رشد‌محور: بر اساس این رویکرد، ارزش‌های ملی شامل توسعه و رشد

اقتصادی، بهبود شاخص‌های زندگی اجتماعی، گسترش عدالت و رفاه اقتصادی و اجتماعی، حفظ حاکمیت و وحدت ملی و نظم و امنیت اجتماعی است و با توجه به ساختار نهادی هر کشور، به‌عنوان رویکرد توسعه مورد نظر انتخاب می‌شود.

رویکرد اقتصادی: این رویکرد به تخصیص منابع برای فعالیت‌های فرهنگی (یارانه، بودجه، کمک‌های بلاعوض، وام بر اساس مجموعه‌ای از اولویت‌ها) می‌پردازد. این نوع فعالیت که بسیاری اوقات «برنامه‌ریزی فرهنگ و هنر» نامیده می‌شود، با چالش‌هایی روبروست که مهم‌ترین آنها اعمال نفوذ و تصمیم‌گیری دولت درباره حمایت از آثار هنری است که همیشه با آزادی بیان سازگار نیست (شکیبانی، ۱۳۸۵: ۱۸).

جایگاه دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی

در زمینه مرکزیت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ دو نظریه عمده وجود دارد؛ نظریه اول معتقد به دخالت نکردن نهاد دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی است و نظریه دوم اعتقاد به ایفای نقش مؤثر دولت و حضور آن در سطح مدیریت مسائل فرهنگی دارد؛ بنابراین پذیرش هر کدام از این دو نظریه از طرف مسئولان فرهنگی کشور، مناسبت‌ها و آثار خاصی خواهد داشت که تعیین‌کننده سازگاری یا ناسازگاری جهت‌گیری تصمیم‌ها با قانون اساسی به‌عنوان مظهری از بینش فرهنگ اسلامی و اهداف کلان فرهنگی خواهد بود (صالحی‌امیری، حیدری‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۵).

۱. نظریه دخالت نکردن دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی

اندیشه دخالت نکردن دولت در تنظیم امور اجتماعی از جمله فرهنگ دارای پیشینه تاریخی است که ریشه در فلسفه حاکمیت ماده‌گرایی و نظام سرمایه‌داری دارد که عمده‌ترین دلیل دخالت نکردن دولت را در برنامه‌ریزی فرهنگی به‌منظور پاسداری از اصل

❖ سسال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

دموکراسی و آزادی فکر و عقیده بیان می‌کنند؛ بنابراین دخالت دولت در امور فرهنگی به هر میزان که محدود و ناچیز باشد به‌عنوان مانعی جدی در مقابل آزاداندیشی قلمداد می‌شود (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۸).

در تحلیل این دیدگاه می‌توان به این نکته اشاره کرد که اصولاً ساختار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی نظام‌های غربی بر پایهٔ اصالت سرمایه سامان یافته و برنامهٔ رشد و توسعهٔ این دسته از کشورها در تمامی ابعاد از جمله برنامه‌ریزی فرهنگی بر اساس قوانین و ابزارهای تضمین‌کنندهٔ سود سرمایه تنظیم می‌شود. مسائل فرهنگی همچون یک کالا ارزیابی می‌شود و قانون حاکم بر جریان فرهنگ، ارزش و اخلاق اجتماعی حول محور اقتصاد معنا می‌گیرد.

دولت‌ها نیز در این جوامع دارای نقش تبعی‌اند و در بعد فرهنگ و توسعهٔ اندیشه به‌صورت واسطه عمل می‌کنند. در چنین جوامعی توسعهٔ تکنولوژی، حاکم بر سفارش‌های تولید فرهنگی است و مردم نیز تنها در بعد مصرف آن آزادند (صفا، ۱۳۸۲: ۳۲).

۲. نظریهٔ محوریت دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی

دیدگاه دیگر که معتقد به نقش محوری دولت در سطح کلان برنامه‌ریزی فرهنگی است، دولت را به‌عنوان مرکز نظام اجتماعی مبتنی بر بنیان دینی و به‌طور مشخص دین اسلام، مطرح می‌کند. در این دیدگاه، دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد در نظام موازنهٔ اجتماعی، مسئولیت سرپرستی تکامل ساختارهای اجتماعی را به عهده دارد؛ اصولاً برنامه‌ریزی‌های فرهنگی نه‌تنها جدا و مستقل از تأثیر دولت نیستند، بلکه به دلیل جایگاه ولایتی و هدایتی خاصی که برای دولت ترسیم می‌شود، حوزهٔ فرهنگ و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، به نحو گسترده‌ای متأثر از این نهاد اجتماعی قرار دارد (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۱).

ضرورت مدل فرهنگی برای برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی ملاک تصمیم‌گیری‌های اجرایی فرهنگی است. مدل فرهنگی، روشی است که بر مبنای مشخص به برنامه‌ریزی فرهنگی، قابلیت ارزیابی، امکان تصمیم‌گیری، قدرت کنترل و بهینه‌تصمیم می‌دهد. مدل فرهنگی مبتنی بر مبانی و متناسب با اهداف تنظیم شده است؛ مبنا یعنی پایگاه صحت تناسب مجموعه و ریشه‌ای که مفسر تغییر مجموعه است و هدف، یعنی نقطه‌ای که پس از تغییر مجموعه باید بدان رسید (چاوش‌باشی، ۱۳۸۷: ۶۶).

با توجه به اهمیت مسئله به برخی رویکردهای برنامه‌ریزی اشاره می‌شود:

رویکرد جدید برنامه‌ریزی فرهنگی (پالمر)

رابرت پالمر^۱ (۲۰۰۵) برای برنامه‌ریزی فرهنگی، رویکرد جدیدی را در ابعاد زیر تعریف می‌کند:

۱. ارتباط بین سطوح خط‌مشی و برنامه‌ عملیاتی (برنامه‌ریزی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و توریسم محیطی)؛
۲. برنامه‌ریزی فرهنگی یک فرایند برنامه‌ریزی افقی محسوب می‌شود؛
۳. نیاز برای تعاریف جامع از فرهنگ؛
۴. تمرکز فرایندی روی شبکه‌ها، ایجاد ظرفیت و مشارکت‌ها؛
۵. فرایندهای نقشه‌برداری فرهنگی خیره و سطح بالا؛ پایه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی از دیدگاه پالمر عبارت‌اند از: فرهنگ و خلاقیت، نیاز به برقراری شرایط خاص در بخش فرهنگی، توسعه مدل‌های جمعی از رهبری و مدیریت، پیوند برنامه‌ریزی ناحیه‌ای با برنامه‌ریزی گسترده شهری (۲۰۰۵: ۳۰).

1. Robert Palmer

مدل برنامه‌ریزی منابع فرهنگی (برن استین)^۱

بر اساس مطالعه‌هایی که در جامعه تاریخی ویسکانسین (WHS)^۲ و بر اساس قانون جدیدی که در سال ۱۹۹۹ مبنی بر پیوستن ویسکانسین به «جنبش برنامه‌ریزی گسترده رشد کشور» به وقوع پیوست، ریچارد. آ. برن استین^۳ مقاله خود را با عنوان «راهنمای رشد مناسب و برنامه‌ریزی منابع فرهنگی»^۴ ویسکانسین برای فرصت‌های منحصر به فرد، به منظور انسجام حفاظت از منابع فرهنگی در داخل فرایند برنامه‌ریزی گسترده‌تر معرفی کرد. این برنامه گسترده شامل تهیه و تدوین اهداف کلی و جزئی، خط‌مشی‌ها، نقشه‌ها و برنامه‌هایی برای حفاظت و ترویج مدیریت کارآی منابع تاریخی و فرهنگی می‌باشد. وی دلایل ایجاد بخش منابع فرهنگی در برنامه جامع را به شرح زیر طرح می‌کند:

۱. قراردادن اهداف کلی و جزئی حفاظت و نگهداری از منابع

تاریخی در جامعه؛

۲. آموزش و اطلاع‌رسانی همگانی؛

۳. اطمینان یافتن از سازگاری و هماهنگی یا حذف ناسازگاری

میان سیاست‌های گوناگون و متنوع دولت محلی؛

۴. قوانین یکپارچه و کلی برای انتخاب اصول حفاظت تاریخی

جدید یا تقویت اصول حفاظتی موجود؛

۵. ایجاد برنامه کاری برای حفاظت و نگهداری فعالیت‌های آینده و ایجاد

یک راه و مسیر جدید برای اندازه‌گیری پیشرفت (۲۰۰۴: ۵).

1. Bern Stine
2. Wisconsin Historical Society
3. Richard. A. Bernstein
4. A Guid to Smart Growth and Culture Resource Planning

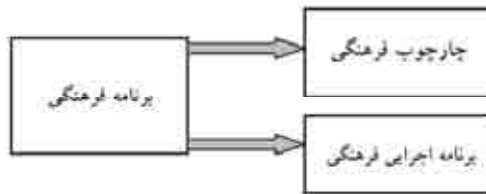
❖ برنامه فرهنگی (برودی)

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۸۲

از نظر برودی^۱، شهردار شهر هالروید^۲، یک شهر خلاق دربرگیرنده ایده‌ها و اندیشه‌های جامعه و ترغیب اعضای آن برای تفکر خلاق است. شهر خلاق؛ پویا، بالانرژی، زیرک و نوآور است. برای تحقق هدف رشد و توسعه، نیاز برای سرمایه‌گذاری در خلاقیت، یادگیری و دانش برای نیروی کار آینده تعلیم و تربیت افراد جوان دارای اهمیت فراوانی است. در حقیقت فرهنگ ما یک بیانیه است از اینکه چه کسی هستیم و نشان‌دهنده ایده‌ها، اعتقادات و ارزش‌های ماست و هویت و انتظارات ما از آینده را منعکس می‌کند. آماده کردن فرصت‌ها برای تجارت، سازمان‌ها، جامعه، شوراها برای کارگروهی، جامعه محلی را تقویت و کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و نیازهای جامعه برای پرداختن در مسائل برنامه‌ریزی را شناسایی می‌کند. برنامه فرهنگی به دنبال برنامه سال ۱۹۹۶ برای پنج سال (سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۶) تدوین شده است که دارای ساختاری هم‌سو با انسجام خلاقیت، نوآوری، تفکر خلاق و نوآور و مشارکت در فرایند کاری است. این برنامه فرهنگی از دو بخش تشکیل شده است:

۱. چارچوب فرهنگی شامل: مفاهیم، اصول و چشم‌انداز؛
۲. برنامه اجرایی فرهنگی که شامل چهار الگو و اهداف آنها برای رسیدن به چشم‌انداز است. موفقیت به‌کارگیری این برنامه فرهنگی منافع زیادی را دربر خواهد داشت که شامل توازن فرهنگی، تنوع فرهنگی، احترام به فرهنگ‌ها، بهبود و ارتقای مکان‌های عمومی، تعامل گروه‌های اجتماعی، مشارکت فعال در فعالیت‌های خلاقانه و فرصت‌های بیشتر برای اظهار فرهنگی است (Brodie, 2005: 1-7).

1. Brodie
2. Holroyd



شکل ۱. انواع برنامه فرهنگی (Brodie, 2005: 3)

مدل استراتژی فرهنگی (فیلاردی)

فیلاردی^۱ (۲۰۰۴)، ابتدا قبل از معرفی مدل خود، برنامه‌ریزی فرهنگی و منابع فرهنگی را تعریف کرده و سپس به معرفی مدل می‌پردازد: از نظر او برنامه‌ریزی فرهنگی، برنامه‌ریزی استراتژیک و منسجمی است که به وسیله کاربرد منابع فرهنگی برای توسعه شهری و جامعه به کار می‌رود؛ همچنین جذابیت‌ها، قابلیت‌ها و دستیابی به مکان‌های عمومی، جاده‌ها، مسیرها و ساختمان‌ها، منابع مهمی برای یک مکان محسوب می‌شوند که برای دستیابی به برنامه‌های فرهنگی به کار گرفته می‌شوند. رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی با تمرکز بر منابع فرهنگی می‌تواند جنبه‌های مختلفی از توسعه را دربر گیرد که در شکل (۲) نمایش داده شده است:



شکل ۲. مدل‌هایی برای برنامه‌ریزی فرهنگی (چاوش‌باشی، ۱۳۸۵: ۸۱)

1. Filardy

اجزای کلیدی استراتژی‌های برنامه‌ریزی فرهنگی، شامل «ممیزی فرهنگی» - که ارزیابی منابع هر مکان را دربر می‌گیرد و این از طریق به‌کارگیری اقدام به بهترین شیوه روش‌های کمی و کیفی به انجام می‌رسد - همچنین «ساختار استراتژی» است - که فرایندی برای تحقق اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت است و لزوماً جامعه‌محور می‌باشد - روش‌های کمی ممیزی فرهنگی عبارت‌اند از: پیشینه و تاریخچه منابع فرهنگی که وضعیت موجود و روند آنها را بررسی می‌کند و شامل موارد ذیل است:

پیشینه جمعیت، گروه‌های قومی و مهاجر، تجارت و کسب‌وکار مربوط به هنر، صنایع فرهنگی، تسهیلات فرهنگی موجود و نهادهای میراث فرهنگی طبیعی و ساختگی غیرطبیعی، توریسم و فراغت و کیفیت زندگی.

در روش‌های کیفی ممیزی فرهنگی، منابع فرهنگی می‌توانند به‌وسیله نقشه‌برداری ادراکی ارزیابی شوند که این موارد عبارت‌اند از: روح و جان مکان و فضا، فکر و ذهن‌های فرهنگی، محصولات مصنوعی و پیام آنها، دستیابی و موانع و حصار دستیابی و گروه‌بندی‌های فرهنگی (چاوش‌باشی، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۱).

قلمرو فعالیت‌های فرهنگی

کنفرانس بلگراد در سال ۱۹۸۰، فعالیت‌های فرهنگی را شامل: میراث فرهنگی و انتشارات، موسیقی، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، سینما و عکاسی، برنامه‌های رادیویی، فعالیت‌های اجتماعی، ورزش و بازی در طبیعت در محیط‌زیست دانسته است (دیویی، ۱۳۷۴: ۹۸).

راهنمای آمارهای فرهنگی یونسکو (۱۹۸۶) اساس نظری فعالیت‌های مؤسسه‌های آماری کشورهایی با فعالیت‌های فرهنگی را جمع‌آوری و تنظیم کرده،

❖ چارچوب یونسکو برای آمار فرهنگی که اصطلاحاً (FCS)^۱ خوانده می‌شود، حوزه فعالیت‌های فرهنگی را در ۱۰ مقوله زیر طبقه‌بندی و خلاصه می‌کند:

مقوله صفر. «میراث فرهنگی»؛ ۱. «مطالب چاپی و ادبیات»؛ ۲. «موسیقی»؛ ۳. «هنرهای اجرایی (نمایش و حرکات موزون)»؛ ۴. «هنرهای بصری (تجسمی)»؛ ۵. «سینما و عکاسی»؛ ۶. «رادیو و تلویزیون»؛ ۷. «فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی»؛ ۸. «ورزش‌ها و بازی‌ها» و ۹. «طبیعت و محیط‌زیست» (اجلالی، ۱۳۷۹: ۳۴).

رجب‌زاده در پژوهش خود با عنوان فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی، فعالیت و مصرف فرهنگی را در قالب‌های زیر بررسی کرده: «فعالیت مذهبی، اجتماعی، ورزشی، تفریحی، هنری و دستی، کتاب و کتاب‌خوانی، روزنامه و مجله‌خوانی، استفاده از رادیو و تلویزیون، ویدئو، ضبط‌صوت، سینما و تئاتر» (۱۳۸۱: ۹-۵).

با توجه به نبود موارد مشابه اجرایی از بررسی جایگاه شورای فرهنگ عمومی در کشور ابتدا با استفاده از آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی، وظایف شورا استخراج و شاخص‌هایی که بر اساس آنها مصوبه‌ها مقوله‌بندی می‌شوند، تعیین شد. در مباحث مربوط به امور فرهنگی نیز منابع متعددی بررسی شد و با توجه به الگوهای مورد مطالعه که هرکدام از آنها به بخشی از امور فرهنگی پرداخته‌اند، ولی جامعیت لازم برای بررسی موارد طرح‌شده در شورای فرهنگ عمومی را ندارند، از روش تلفیقی استفاده کرده و در نهایت طبقه‌بندی زیر برای بررسی و طبقه‌بندی امور فرهنگی آماده شد.

سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

1. Unesco Framework for Cultural Statistics

جدول ۲. امور فرهنگی و مؤلفه‌های آن (بر اساس یافته‌های محقق)

مؤلفه‌ها	امور فرهنگی
بازی‌های محلی، بازی‌های رایانه‌ای، سرگرمی‌ها	بازی و سرگرمی
ورزش و تربیت بدنی	تربیت بدنی
مطبوعات، رادیو، تلویزیون، اطلاع‌رسانی، تبلیغات، اینترنت، تلفن همراه، ماهواره و...	رسانه
مجتمع‌های فرهنگی چندمنظوره، کتابخانه، موزه، صنوف و گروه‌های فرهنگی، اطلس فرهنگی و...	زیرساخت فرهنگی - اجتماعی
فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و ملی، مناسبت ملی، همایش، نمایشگاه، فعالیت‌های فرهنگ شهروندی	فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی
فعالیت دینی، قرآنی، مربوط به وقف، حج و زیارت، مساجد، عفاف و حجاب، مناسبت مذهبی، امریه معروف و نهی از منکر	فعالیت‌های دینی
آموزش‌های فرهنگی - هنری، پژوهش‌های فرهنگی - هنری	فعالیت‌های علمی - پژوهشی
نشریه‌های غیراداری و کتاب	کتاب و موضوع‌های چاپی
محیط‌زیست	محیط‌زیست و طبیعت
میراث فرهنگی، گردشگری، هنرهای سنتی و صنایع‌دستی	میراث فرهنگی و گردشگری
موسیقی، سینما، ویدئو، عکس، هنرهای تجسمی، تئاتر	هنر

پیشینه

با توجه به اینکه موضوع این مقاله، بررسی موردی یکی از نهادهای فرهنگی در ایران است که برای نخستین بار نیز انجام شده، نمونه‌های کاملاً مرتبط از پیشینه موضوع ملاحظه نشد، ولی در ادامه برخی تحقیق‌ها که تا حدودی با موضوع‌های طرح‌شده در مقاله مرتبط است، ذکر می‌شود.

موسی‌پور (۱۳۷۶)، در مطالعه «فرهنگ عمومی، شیوه‌های بهگشت» تغییر باورها و دیدگاه‌ها برای اصلاح فرهنگ عمومی، برنامه‌ریزی در امور فرهنگی و ارزش‌یابی فعالیت‌های فرهنگی را ضروری می‌داند.

❖ باقری (۱۳۸۵) نیز در مقاله «تحلیل محتوای سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی» به این نتیجه دست یافت که ۸ درصد مصوبه‌های شورا از نوع سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح کلان و میانی بوده که ۴۴ درصد مصوبه‌ها سیاست تکثر فرهنگی، ۳۲ درصد سیاست وحدت فرهنگی و ۲۴ درصد سیاست یکسان‌سازی را دنبال کرده‌اند.

کاووسی و چاوش‌باشی (۱۳۸۷) در مطالعه «دولت و برنامه‌ریزی فرهنگی» ضمن اشاره به اینکه کدام استراتژی برای توسعه و تکامل فرهنگی کشور مناسب است و برای اجرای استراتژی‌های فرهنگی به چه الگوهایی نیازمندیم و سؤال‌هایی از این قبیل که همگی منوط به تعیین جایگاه دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی است، بر لزوم طراحی و تدوین الگوهایی که جایگاه دولت را در مقوله برنامه‌ریزی فرهنگی تعیین و مشخص می‌کند، تأکید کردند.

صالحی‌امیری و کاووسی (۱۳۸۷) در پژوهش «مقدمه‌ای بر مراحل اجرایی برنامه‌ریزی جامع فرهنگی» به این نتیجه دست یافتند که فارغ از هر دیدگاه و گرایش سیاسی، پذیرش منطق برنامه‌ریزی و به‌کارگیری آن در حوزه‌های اجرایی یک ضرورت تام و تمام است؛ از این رو چنین به نظر می‌رسد که نخبگان فرهنگی، مدیران و سیاست‌گذاران دولتی در این امر اشتراک نظر دارند که به‌کارگیری دانش برنامه‌ریزی در حوزه عملیات دولت، تنها راه دستیابی روشمند، پایدار و قابل اندازه‌گیری برای اهداف و آرمان‌های کیفی فرهنگی است.

صفار (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «حدود دخالت دولت در فرهنگ» ضمن بررسی محدوده دخالت دولت در فرهنگ به این نتیجه دست یافت که بعد از انقلاب ایران و با توجه به ایدئولوژیک بودن انقلاب و اندیشه‌های دینی حاکم بر آن و جایگاه عالمان مذهبی در نظام سیاسی جدید، سیاست‌های مداخله‌گرانه‌ای در عرصه‌های فرهنگی در پیش گرفته شد.

تلی^۱ و تیلستراپ^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌های فرهنگی اروپایی و کنترل مدیریت دانش» به دنبال مفهوم متقاعدکننده از تکنولوژی به‌عنوان چارچوبی برای بحث دربارهٔ سیاست‌های فرهنگی بودند. در همین باره مجموعه‌های دیجیتالی موجود در اروپا و کتاب‌های گوگل به‌عنوان مجامع اطلاعاتی دیجیتال عملی و سیاست مورد توجه قرار گرفتند. در این مطالعه سیاست‌های فرهنگی دیجیتال و دستورکار جهانی اینترنت در یک بحث انتقادی بررسی شد.

چانک^۳ (۲۰۱۱) نیز در مطالعه «بازنگری شناسایی منابع فرهنگی و بهره‌برداری منابع بومی» فرایند تبدیل فرهنگ را بررسی کرده است. در این مطالعه نشان داده شده که فرایند تبدیل شدن شامل سه مرحلهٔ شناسایی منابع، ایجاد معنا و تغییرهای اجتماعی است. دستیابی به هر مرحله نتیجهٔ تعامل بین دولت‌های محلی است و هنگامی که هدف، شناسایی و بهره‌برداری بیشتر از منابع فرهنگی باشد، اغلب با اهداف سرمایه‌داری در تعارض قرار خواهد گرفت.

روش

این بررسی بر اساس هدف، جزء تحقیق‌های کاربردی توسعه‌ای است، در تحقیقی که مرتبط با اسناد مکتوب است، تحلیل محتوا می‌تواند روش مناسبی باشد. مهم‌ترین کاربرد تحلیل محتوا توصیف ویژگی‌های یک پیام است. در این روش محتوای آشکار پیام‌ها به‌طور نظام‌دار و کمی توصیف می‌شود؛ از این رو این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به کمی قلمداد کرد.

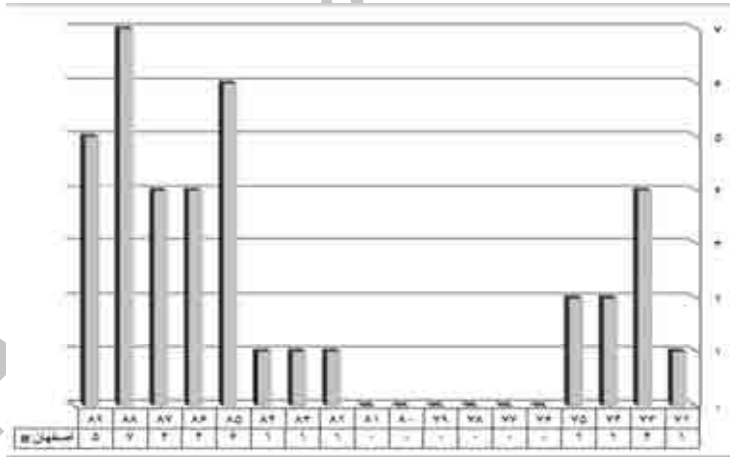
در این بررسی ابتدا مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی استان به‌عنوان محتوای مورد

1. Thelle
2. Thylstrup
3. Chang

تحلیل جمع‌آوری شد. پس از گردآوری اسناد، مصوبه‌های فرهنگی شورا به‌عنوان واحد بررسی انتخاب شدند. در ادامه، هر کدام از مصوبه‌ها به‌صورت مجزا بررسی شد و نوع آنها بر اساس وظایف شورا تعیین، سپس موضوع مصوبه نیز بر اساس امور فرهنگی مشخص شد. در نهایت هر کدام از مصوبه‌های مشخص شده با توجه به نوع ارتباط یعنی مرتبط، به‌نسبت نامرتب و نامرتب (مرتبط با وظایف و امور فرهنگی به‌صورت مجزا) کدگذاری شدند و با استفاده از آزمون دوجمله‌ای و کای دو، رابطه بین آنها بررسی شد.

تیین و تفسیر یافته‌ها

در این قسمت به بررسی توصیفی برگزاری جلسه‌های شورای فرهنگ عمومی، توزیع مصوبه‌ها، ترکیب مصوبه‌ها بر اساس وظایف شورا و پرداختن به امور فرهنگی و میزان اجرایی شدن مصوبه‌ها پرداخته شده است.

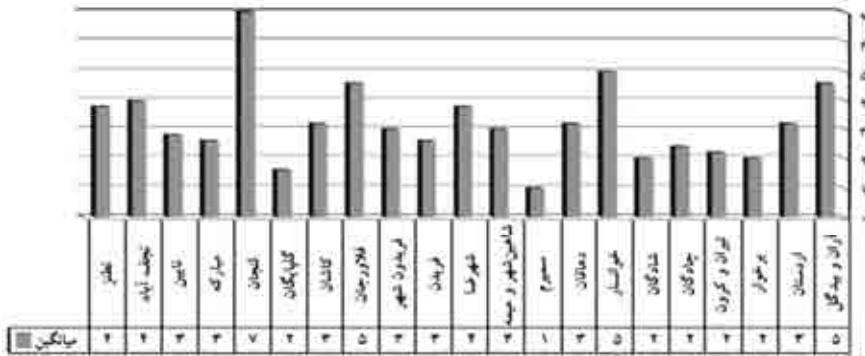


شکل ۳. فراوانی تشکیل جلسه شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان

با توجه به شکل (۳) می‌توان وضعیت تشکیل جلسه شورای فرهنگ عمومی استان را مشاهده کرد. بر این اساس در سال ۱۳۷۲ اولین جلسه شورا تشکیل و در

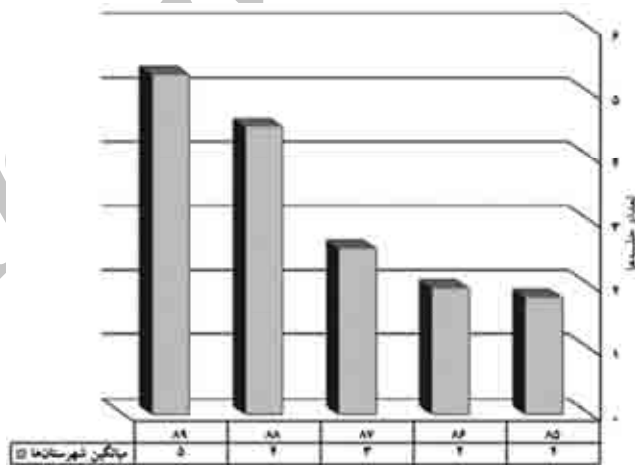
❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

سال ۱۳۷۳ با چهار جلسه و در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ تشکیل دو جلسه ادامه یافت؛ ولی در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ جلسه‌ای برگزار نشده است. در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ بیشترین آمار برگزاری جلسه‌ها مربوط به سال ۱۳۸۸ با هفت جلسه بوده است.



شکل ۴. میانگین تشکیل جلسه شورای فرهنگ عمومی در شهرستان‌های استان اصفهان

بر اساس شکل (۴) بالاترین میانگین برگزاری جلسه مربوط به لنجان با هفت جلسه و کمترین میانگین برگزاری مربوط به شهرستان سمیرم با میانگین یک جلسه است.



شکل ۵. میانگین برگزاری جلسه‌های شورای فرهنگ عمومی شهرستان‌ها

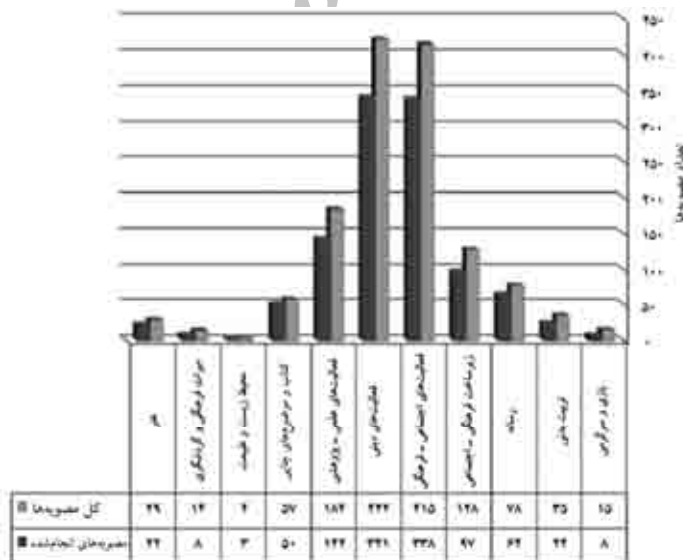
شورای فرهنگ عمومی و تأثیر ... ❖ ۷۹

❖ شکل (۵) میانگین برگزاری جلسه در شورای فرهنگ عمومی شهرستان‌ها و روند روبه‌رشد آنرا نمایش می‌دهد.



شکل ۶. ترکیب مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان (۱۳۷۲-۱۳۸۹) (درصد)

باتوجه به شکل (۶) می‌توان ملاحظه کرد که بالاترین درصد مصوبه‌های شورا با ۶۰ درصد، مربوط به برنامه‌ریزی و کمترین آن با ۳ درصد، مربوط به پژوهش است.



شکل ۷. فراوانی مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی در پرداختن به امور فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۸۹)

بر اساس شکل (۷) بیشترین مصوبه شورای فرهنگ عمومی استان در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۹ با توجه به امور فرهنگی مربوط به فعالیت دینی با ۴۲۲ مصوبه و ۳۴۱ مصوبه اجرا شده و کمترین تعداد مصوبه مربوط به محیط‌زیست و طبیعت با چهار مصوبه و سه مصوبه اجرا شده است.

جدول ۳. ترکیب کل مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان بر اساس امور فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۸۹)

امور	تعداد مصوبه‌ها	درصد از کل مصوبه‌ها	مصوبه‌های انجام شده	درصد تحقق
بازی و سرگرمی	۱۵	۱/۱	۸	۵۳/۳
تربیت بدنی	۳۵	۲/۵	۲۴	۶۸/۶
رسانه	۷۸	۵/۶	۶۴	۸۲/۱
زیرساخت فرهنگی - اجتماعی	۱۲۸	۹/۳	۹۷	۷۵/۸
فعالیت دینی	۴۲۲	۳۰/۶	۳۴۱	۸۰/۸
فعالیت علمی - پژوهشی	۱۸۴	۱۳/۳	۱۴۲	۷۷/۲
فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی	۴۱۵	۳۰/۱	۳۳۸	۸۱/۴
کتاب و موضوع‌های چاپی	۵۷	۴/۱	۵۰	۸۷/۷
محیط‌زیست و طبیعت	۴	۰/۳	۳	۷۵
میراث فرهنگی و گردشگری	۱۴	۱	۸	۵۷/۱
هنر	۲۹	۲/۱	۲۲	۷۵/۹

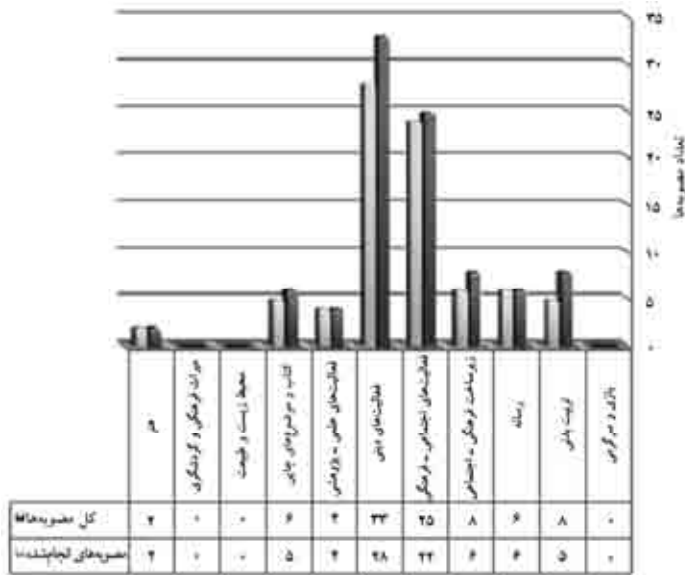
بر اساس جدول (۳)، ۱/۱ درصد از مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی به بازی و سرگرمی با ۵۳/۳ درصد تحقق، ۲/۵ درصد مصوبه‌ها مربوط به تربیت بدنی با ۶۸/۶ درصد تحقق، ۵/۶ درصد مصوبه‌ها مربوط به رسانه با ۸۲/۱ درصد تحقق، ۹/۳ درصد مصوبه‌ها مربوط به زیرساخت فعالیت فرهنگی - اجتماعی با ۷۵/۸ درصد تحقق، ۳۰/۶ درصد مصوبه‌ها مربوط به فعالیت دینی با ۸۰/۸ درصد تحقق، ۱۳/۳ درصد مصوبه‌ها مربوط به فعالیت علمی - پژوهشی با ۷۷/۲ درصد تحقق، ۳۰/۱ درصد مصوبه‌ها مربوط به فعالیت اجتماعی - فرهنگی با ۸۱/۴ درصد تحقق، ۴/۱ درصد مصوبه‌ها مربوط به کتاب و

❖ موضوع‌های چاپی با ۸۷/۷ درصد تحقق، ۰/۳ درصد مصوبه‌ها مربوط به محیط‌زیست و طبیعت با ۷۵ درصد تحقق، ۱ درصد مصوبه‌ها مربوط به میراث فرهنگی و گردشگری با ۵۷/۱ درصد تحقق و ۲/۱ درصد مصوبه‌ها با ۷۵/۹ درصد تحقق مربوط به هنر بوده است.

جدول ۴. ترکیب مصوبه‌های سیاست‌گذاری شورای فرهنگ عمومی بر اساس پرداختن به امور فرهنگی

درصد تحقق	مصوبه‌های انجام شده	تعداد مصوبه‌ها	امور	وظیفه
۰	۰	۰	بازی و سرگرمی	سیاست‌گذاری
۶۳	۵	۸	تربیت بدنی	
۱۰۰	۶	۶	رسانه	
۷۵	۶	۸	زیرساخت فرهنگی - اجتماعی	
۹۶	۲۴	۲۵	فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی	
۸۵	۲۸	۳۳	فعالیت‌های دینی	
۱۰۰	۴	۴	فعالیت‌های علمی - پژوهشی	
۸۳	۵	۶	کتاب و موضوع‌های چاپی	
۰	۰	۰	محیط‌زیست و طبیعت	
۰	۰	۰	میراث فرهنگی و گردشگری	
۱۰۰	۲	۲	هنر	

بر اساس جدول (۴) در وظیفه سیاست‌گذاری شورای فرهنگ عمومی، بیشترین تعداد مصوبه‌ها مربوط به فعالیت دینی با ۳۳ مصوبه و ۸۵ درصد تحقق و کمترین مصوبه سیاست‌گذاری مربوط به میراث فرهنگی و گردشگری و محیط‌زیست با (صفر) مصوبه است.



شکل ۸. فراوانی مصوبه‌های سیاست‌گذاری شورای فرهنگ عمومی بر اساس پرداختن به امور فرهنگی

جدول ۵. ترکیب مصوبه‌های برنامه‌ریزی شورای فرهنگ عمومی بر اساس پرداختن به امور فرهنگی

وظیفه	امور	تعداد مصوبه‌ها	مصوبه‌های انجام‌شده	درصد تحقق
برنامه‌ریزی	بازی و سرگرمی	۱۴	۷	۵۰
	تربیت بدنی	۲۶	۱۸	۶۹
	رسانه	۷۰	۵۶	۸۰
	زیرساخت فرهنگی - اجتماعی	۱۱۷	۸۸	۷۵
	فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی	۳۷۶	۳۰۵	۸۱
	فعالیت‌های دینی	۳۷۵	۳۰۳	۸۱
	فعالیت‌های علمی - پژوهشی	۸۱	۶۲	۷۷
	کتاب و موضوع‌های چاپی	۴۷	۴۲	۸۹
	محیط‌زیست و طبیعت	۴	۳	۷۵
	میراث فرهنگی و گردشگری	۱۳	۸	۶۲
	هنر	۲۷	۲۰	۷۴

❖ بر اساس جدول (۵) بیشترین تعداد مصوبه‌های برنامه‌ریزی مربوط به فعالیت اجتماعی - فرهنگی با ۳۷۶ مصوبه و ۳۰۵ (۸۱ درصد) مصوبه اجرا شده و بعد از آن فعالیت دینی با ۳۷۵ مصوبه و ۳۰۳ (۸۱ درصد) مصوبه اجرا شده و کمترین مصوبه برنامه‌ریزی مربوط به محیط‌زیست با چهار مصوبه و ۷۵ درصد تحقق است.



شکل ۹. فراوانی مصوبه‌های برنامه‌ریزی شورای فرهنگ عمومی بر اساس پرداختن به امور فرهنگی

جدول ۶. درصد فراوانی مصوبه‌ها مرتبط با سیاست‌گذاری شورای فرهنگ عمومی

سیاست‌گذاری فرهنگی شورا	فراوانی	درصد فراوانی
مرتبط	۴۰	۴۳/۵
نامرتبط و به‌نسبت نامرتبط	۵۲	۵۶/۵
کل	۹۲	۱۰۰/۰

با توجه به نتایج جدول (۶)، ۵۶/۵ درصد از مصوبه‌ها با سیاست‌گذاری فرهنگی شورا به‌نسبت نامرتبط و نامرتبط هستند و ۴۳/۵ درصد مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی با این وظیفه مرتبط هستند.



شکل ۱۰. درصد فراوانی مصوبه‌های مربوط به سیاست‌گذاری شورای فرهنگ عمومی (درصد)

جدول ۷. درصد فراوانی مصوبه‌های مربوط به برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی

برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی	فراوانی	درصد فراوانی
مرتبط	۳۵۸	۳۱/۱
نامرتبط و به نسبت نامرتبط	۷۹۲	۶۸/۹
کل	۱۱۵۰	۱۰۰/۰

با توجه به نتایج جدول (۷)، ۶۸/۹ درصد از مصوبه‌ها با برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی نامرتبط و به نسبت نامرتبط هستند.



شکل ۱۱. درصد فراوانی مصوبه‌های مربوط به برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی

در جدول متقاطع (۸) فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار مصوبه‌ها بر اساس ارتباطشان با سیاست‌گذاری فرهنگی شورا و ساماندهی امور فرهنگی ارائه شده است؛ برای مثال با توجه به نتایج جدول (۸)، ۲۶ مصوبه از ۹۲ مصوبه با سیاست‌گذاری

شورای فرهنگ عمومی و تأثیر ... ❖ ۸۵

❖ فرهنگ شورای و ساماندهی امور فرهنگی مرتبط و ۳۵ مصوبه به نسبت نامرتب بوده است؛ همچنین انتظار می‌رود ۲۷/۷ مصوبه‌ها با سیاست‌گذاری فرهنگی شورای و ساماندهی امور فرهنگی به نسبت نامرتب باشند.

جدول ۸. جدول توافقی ساماندهی امور فرهنگی و سیاست‌گذاری شورای فرهنگ عمومی

کل	سیاست‌گذاری فرهنگی شورای		مرتبط	مرتبط	ساماندهی امور فرهنگی
	به نسبت نامرتب و نامرتب	مرتبط			
۳۵	۹	۲۶	فراوانی مشاهده شده	مرتبط	ساماندهی امور فرهنگی
۳۵/۰	۱۹/۸	۱۵/۲	فراوانی مورد انتظار		
۴۹	۳۵	۱۴	فراوانی مشاهده شده	به نسبت نامرتب	
۴۹/۰	۲۷/۷	۲۱/۳	فراوانی مورد انتظار		
۸	۸	۰	فراوانی مشاهده شده	نامرتب	
۸/۰	۴/۵	۳/۵	فراوانی مورد انتظار		
۹۲	۵۲	۴۰	فراوانی مشاهده شده	کل	
۹۲/۰	۵۲/۰	۴۰/۰	فراوانی مورد انتظار		

در جدول (۹) با توجه به مقدار سطح معناداری که از ۰/۰۱ کوچک‌تر است، فرضیه نبود رابطه بین مصوبه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی شورای با ساماندهی امور فرهنگی رد می‌شود؛ یعنی در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین مصوبه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی شورای با ساماندهی امور فرهنگی ارتباط معنادار وجود دارد.

جدول ۹. آزمون استقلال سیاست‌گذاری فرهنگی شورای

سیاست‌گذاری فرهنگی شورای	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
آماره آزمون	۲۴/۱۰۲	۲	۰/۰۰۰
ضریب توافقی	۰/۴۵۶		۰/۰۰۰
تعداد کل	۹۲		

با توجه به نتایج جدول (۱۰)، ۲۰۷ مصوبه از هزار و ۱۵۰ مصوبه با برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی و ساماندهی امور فرهنگی مرتبط و ۴۵۷ مصوبه با

هر دو به نسبت نامرتب بوده است.

سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

جدول ۱۰. جدول توافقی ساماندهی امور فرهنگی و برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی

کل	برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی			فرآوانی مشاهده شده	مرتبط	ساماندهی امور فرهنگی
	مرتبط	به نسبت نامرتب	نامرتب			
۳۱۵	۲۰۷	۹۸	۱۰	فرآوانی مشاهده شده	مرتبط	ساماندهی امور فرهنگی
۳۱۵/۰	۹۸/۱	۱۶۵/۷	۵۱/۲	فرآوانی مورد انتظار		
۶۷۶	۱۴۴	۴۵۷	۷۵	فرآوانی مشاهده شده	به نسبت	
۶۷۶/۰	۲۱۰/۴	۳۵۵/۶	۱۰۹/۹	فرآوانی مورد انتظار	نامرتب	
۱۵۹	۷	۵۰	۱۰۲	فرآوانی مشاهده شده	نامرتب	
۱۵۹/۰	۴۹/۵	۸۳/۶	۲۵/۹	فرآوانی مورد انتظار		
۱۱۵۰	۳۵۸	۶۰۵	۱۸۷	فرآوانی مشاهده شده	کل	
۱۱۵۰/۰	۳۵۸/۰	۶۰۵/۰	۱۸۷/۰	فرآوانی مورد انتظار		

در جدول (۱۱) با توجه به مقدار سطح معناداری که از ۰/۰۱ کوچک تر است، فرضیه نبود رابطه بین مصوبه های برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی با ساماندهی امور فرهنگی رد می شود؛ یعنی در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی با ساماندهی امور فرهنگی ارتباط معنادار وجود دارد؛ همچنین با توجه به مقدار ضریب توافقی شدت این وابستگی در حد متوسط است.

جدول ۱۱. آزمون استقلال برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی

برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
آماره آزمون	۵۱۷/۱۱۳	۴	۰/۰۰۰
ضریب توافقی	۰/۵۵۷		۰/۰۰۰
تعداد کل	۱۱۵۰		

برای بررسی وضعیت سیاست گذاری فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان با توجه به

رسالت‌های آن در جدول (۱۲) با استفاده از آزمون دوجمله‌ای فرض زیر آزمون می‌شود:

فرض صفر: نسبت مصوبه‌هایی که با سیاست‌گذاری فرهنگی نامرتب و به نسبت نامرتب هستند، برابر با $0/5$ است ($p=0/5$).

فرض مقابل: نسبت مصوبه‌هایی که با سیاست‌گذاری فرهنگی نامرتب و به نسبت نامرتب هستند، مخالف با $0/5$ است ($p\neq0/5$).

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری از $0/05$ بزرگ‌تر است، فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ یعنی نیمی از مصوبه‌ها با سیاست‌گذاری فرهنگی نامرتب و به نسبت نامرتب هستند.

جدول ۱۲. آزمون دوجمله‌ای سیاست‌گذاری فرهنگی

سطح معناداری (sig)	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	تعداد	متغیر	
				نامرتب و به نسبت نامرتب	مرتب
۰/۲۵۱	۰/۵	۰/۵۷	۵۲	نامرتب و به نسبت نامرتب	سیاست‌گذاری فرهنگی
		۰/۴۳	۴۰	مرتب	

با استفاده از آزمون دوجمله‌ای فرض زیر آزمون می‌شود.

فرض صفر: نسبت مصوبه‌هایی که با برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی نامرتب و به نسبت نامرتب هستند برابر با $0/5$ است ($p=0/5$).

فرض مقابل: نسبت مصوبه‌هایی که با برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی نامرتب و به نسبت نامرتب هستند، مخالف با $0/5$ است ($p\neq0/5$).

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری از $0/01$ کوچک‌تر است، فرض صفر رد می‌شود یعنی نسبت مصوبه‌هایی که با برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی به نسبت مرتب و بی ربط هستند، برابر با $0/5$ نیست و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این نسبت بزرگ‌تر از $0/5$ ($0/69$) است.

جدول ۱۳. آزمون دوجمله‌ای برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی

سطح معناداری (sig)	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	تعداد	متغیر	
				به نسبت نامرتب و نامرتب	برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی
۰/۰۰۰	۰/۵	۰/۶۹	۷۹۲		

نتیجه‌گیری

با بررسی نتایج، مشخص می‌شود که بین سیاست‌گذاری شورای فرهنگ عمومی و ساماندهی امور فرهنگی رابطه مستقیم وجود دارد؛ همچنین مصوبه‌های سیاست‌گذاری ۵ درصد از کل مصوبه‌های شورا را به خود اختصاص داده است. از آنجا که سیاست فرهنگی به معنای عام آن، مجموعه‌ای از اهداف، مبانی، اصول، اولویت‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی را شامل می‌شود و سیاست‌گذاری فرهنگی توازن رسمی مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم برای حرکت فرهنگی است که نشان‌دهنده نبود توجه کافی به این مسئله و ناآگاهی اعضا از وظیفه سیاست‌گذاری شورا است. با توجه به نتایج، بیشترین سیاست‌گذاری شورا در امور فرهنگی به ترتیب در حوزه فعالیت‌های دینی و اجتماعی-فرهنگی است و در حوزه‌های هنر، فعالیت‌های علمی-پژوهشی، کتاب و موضوع‌های چاپی، رسانه، تربیت‌بدنی، زیرساخت فرهنگی-اجتماعی به ترتیب کمترین مصوبه‌ها وجود دارد تا آنجا که در ساماندهی امور بازی و سرگرمی، محیط‌زیست و طبیعت، میراث فرهنگی و گردشگری، شورای فرهنگ عمومی هیچ‌گونه مصوبه‌ای در زمینه سیاست‌گذاری ندارد که نتیجه نبود دسته‌بندی مشخصی از امور فرهنگی در شورا است تا بدین واسطه شورا بتواند با نگاهی دقیق تمام عرصه‌های فرهنگی را مورد توجه قرار دهد که به‌عنوان نمونه می‌توان از الگوی

ارائه شده (جدول ۲) در نوشتار حاضر استفاده کرد.

همچنین با بررسی نتایج، مشخص می شود که میان برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی با ساماندهی امور فرهنگی رابطه مستقیم و وابستگی در حد متوسط وجود دارد؛ به این مفهوم که با افزایش میزان هم راستایی مصوبه ها با برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی، ساماندهی امور فرهنگی نیز ارتقا می یابد و این بدین معناست که بر اساس وظایف شورا باید ابتدا آگاهی از وضع فرهنگ عمومی و ارزیابی مستمر آن صورت پذیرد؛ سپس در قالب طرح های تحقیقاتی نظری و کاربردی بررسی و سیاست گذاری مناسب آن انجام شود و بر اساس سیاست مورد نظر برنامه ریزی برای ساماندهی امور فرهنگی صورت پذیرد؛ همچنین در حین و پس از اجرا ارزشیابی شود و دوباره به این چرخه بازگردد تا بدین واسطه اشکال های احتمالی رفع و برنامه تقویت گردد.

بیشترین مصوبه های شورا به برنامه ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی در امور فرهنگی در حوزه فعالیت های دینی و اجتماعی - فرهنگی مربوط است و بعد از آن حوزه های فعالیت های علمی - پژوهشی، زیرساخت فرهنگی - اجتماعی، رسانه، کتاب و موضوع های چاپی، با اختلاف درخور توجهی قرار دارند. هنر، تربیت بدنی، بازی و سرگرمی، میراث فرهنگی و گردشگری، محیط زیست و طبیعت به ترتیب کمترین مصوبه ها را دارند؛ بنابراین نبود توازن در توجه به زمینه های مختلف امور فرهنگی در مصوبه های شورای فرهنگ عمومی مربوط به برنامه ریزی ملاحظه می شود که می تواند به نوعی نشانگر تأثیر گرفتن شورای فرهنگ عمومی از موج های ایجاد شده در جامعه باشد؛ بدین معنی که در هر زمانی که موضوعی خاص به عنوان موضوع روز در جامعه طرح می شود؛ به صورت خودکار قسمت زیادی از مصوبه های شورا را بدون اینکه پشتوانه رصد فرهنگی یا پژوهشی داشته باشد،

به خود اختصاص داده است. در واقع شورا از جایگاه تصمیم‌ساز خارج شده و به صورت انفعالی به دنبال حل مسائل فرهنگی است.

با بررسی نتایج مشاهده می‌شود که نسبت مصوبه‌های مرتبط و غیرمرتبط شورای فرهنگ عمومی در بحث سیاست‌گذاری برابر است؛ بنابراین به نظر می‌رسد تعریف و شناخت دقیق از سیاست‌گذاری فرهنگی در شورا وجود ندارد و در عین حال در برخی موارد نبود شفافیت در مصوبه‌ها یا قرار نگرفتن آنها هم‌سو با وظایف شورا باعث شده، جایگاه سیاست‌گذاری شورا با نقصان همراه شود؛ همچنین رعایت نکردن فرایند سیاست‌گذاری که ناشی از کم‌توجهی به پشتوانه علمی - پژوهشی قوی و منسجم و نبود شناخت کامل از وضع موجود فرهنگی جامعه است، باعث شده تا فقط نیمی از مصوبه‌ها با سیاست‌گذاری فرهنگی مرتبط باشند.

در ضمن تنها ۵ درصد مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی به سیاست‌گذاری فرهنگی اختصاص یافته که ۸۷ درصد مصوبه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی شورا اجرا شده است و ۱۳ درصد باقیمانده به دلیل نبود سازوکار قانونی لازم برای اجرا، حمایت نکردن دستگاه‌های مرتبط و پشتیبانی نشدن مراجع قانونی بالاتر کشوری، اجرایی نشده است. یکی دیگر از دلایل نبود ضمانت اجرایی برای برخی مصوبه‌ها ایجاد بار مالی آن است که با توجه به ساختار سازمانی دستگاه‌های عضو، امکان تأمین مالی آن با محدودیت و دشواری همراه است؛ در عین حال شورا نیز هیچ‌گونه سازوکار تأمین اعتبار یا اجرایی ندارد تا بدین شکل اجرایی شدن مصوبه‌ها را ضمانت کند.

با توجه به نتایج به دست آمده اکثر مصوبه‌های برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری فرهنگ عمومی شورای فرهنگ عمومی با این وظیفه شورا نامرتبط هستند؛ همچنین ۷۹/۳ درصد از مصوبه‌های مربوط به برنامه‌ریزی فرهنگی اجرا شده و ۲۰/۷ درصد اجرا

❖ شده است. از سوی دیگر مصوبه‌های فوق، ۶۰ درصد کل مصوبه‌های شورا را تشکیل داده‌اند که این مسئله بر پررنگ‌تر بودن وظیفه برنامه‌ریزی فرهنگی در مقایسه با سایر وظایف شورا دلالت دارد.

با مشاهده فراوانی مصوبه‌های شورا در امور فرهنگی می‌توان به این نتیجه رسید که توزیع هماهنگ بین مصوبه‌های شورا در زمینه ساماندهی امور فرهنگی وجود ندارد؛ بدین معنی که برخی امور از جمله فعالیت‌های دینی و اجتماعی - فرهنگی با بیش از ۶۰ درصد مصوبه‌ها، بالاترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند و حال آنکه اموری چون محیط‌زیست و طبیعت، میراث فرهنگی و گردشگری، بازی و سرگرمی، هنر، تربیت‌بدنی، کتاب و موضوع‌های چاپی، رسانه، زیرساخت فرهنگی - اجتماعی و فعالیت علمی - پژوهشی به ترتیب کمترین مصوبه‌ها را دارند.

منابع و مأخذ

- اجلالی، پرویز، (۱۳۷۹). *سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران*، تهران: آن.
- باقری، م، (۱۳۸۵). «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی (مروری بر اقدامات انجام‌شده در مهندسی فرهنگی کشور)»، مقاله ارائه‌شده در همایش مهندسی فرهنگی، تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما، ۲۱-۲۰ دی، ۷۴-۴۹.
- چاوش‌باشی، فرزانه، (۱۳۸۷). «معرفی مدل‌هایی برای برنامه‌ریزی فرهنگی»، پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی (۱). پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲۸: ۸۷-۶۳.
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۱). «برنامه‌ریزی فرهنگی: عامل تغییر یا ثبات»، فصلنامه فرهنگ عمومی، ۳۳: ۲۱-۹.
- دیوبی، گزایوه، (۱۳۷۴). *فرهنگ و توسعه*، ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین قلم، تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- رضایی، عبدالعلی، (۱۳۸۱). «جایگاه دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی و دامنه تأثیرگذاری آن»، فصلنامه فرهنگی-اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۳۳: ۸۱-۶۳.
- زیرارد، آگوست، (۱۳۷۲). *توسعه فرهنگی تجارت و خط‌مشی‌ها*، ترجمه زرین قلم ع، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهش‌های بنیادین.
- سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)*، (۱۳۸۱).
- سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران (دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی).
- شکیبانی، مهدی، (۱۳۸۵). «نگرشی بر ابعاد برنامه‌ریزی مهندسی فرهنگی»، دوفتنامه مهندسی فرهنگی (ویژه همایش ملی مهندسی فرهنگی)، ۳: ۲۰-۱۶.
- صالحی‌امیری، رضا، اسماعیل کاوسی، (۱۳۸۷). *فرهنگ و مدیریت سازمان‌های فرهنگی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- صالحی‌امیری، رضا، امیر عظیمی دولت‌آبادی، (۱۳۸۷). *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، انتشارات شادان.
- صالحی‌امیری، رضا؛ الهه حیدری‌زاده، (۱۳۸۷). «ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی در برنامه‌های توسعه. پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی (۳)»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۳۴: ۵۱-۹.

- ❖ صفار، محمد، (۱۳۸۲). «حدود دخالت دولت در فرهنگ (با تأکید بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران پس از انقلاب اسلامی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- کاوسی، اسماعیل، فرزانه چاوشی‌باشی، (۱۳۸۷). «دولت و برنامه‌ریزی فرهنگی. پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی (۱)»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۲۸: ۶۲-۳۱.
- گوهری پور مرتضی (۱۳۸۹). *شناسایی و اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی کشور به‌منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی کشور*. (در دست چاپ)
- محمد جواد کاشی، غلامرضا، (۱۳۸۱). «اخلاق و برنامه‌ریزی فرهنگی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، ۳۳: ۴۶-۴۱.
- مسجدجامعی، احمد، (۱۳۸۱). «فرهنگ در برنامه‌های توسعه». فصلنامه فرهنگی اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۳۳: ۱۱-۶.
- مطهری‌الهامی، مجتبی، *تأملی در تعریف هنر*، قابل دسترسی در:
{دسترسی در ۲۰ آذر ۱۳۸۹} <http://www.rasekhoon.net/Forum/ShowPost-7641.aspx>
- موسی‌پور، نعمت‌الله، (۱۳۷۶). «فرهنگ عمومی، شیوه‌های بهگشت»، فصلنامه فرهنگ عمومی، ۱۳: ۶۲-۳۳.
- Aguotou, G. (1983). "cultural development: experiences and policies 2nd" *puriouneoci*. pp. 171-172.
- Bernstein R A. (2004). "A Guide to Smart and Cultural Resource Planning", *Wisconsin Historical Society*. www. wisconsinhistory. Org
- Brodie John H. (2005). "Cultural Plan: Cultural Vitality in Holroyd City", *Mayor's message Acknowledgments*.
- Chang W. (2011). "Rethinking resource identification and utilization: The reconstruction of indigenous ethnoecological knowledge in Fata'an Wetland, Taiwan", *Management of Environmental Quality: An International Journal*, Vol. 22 Iss: 2, pp.187 – 199
- Ghilardi L(2004), "Cultural. Strategies "Copenhagen. www. noema. org. uk.
- Palmer,R(2005), " HOLISTIC CULTURAL PLANNING ", *Hongkong*, www. palmer-rae. com
- Thelle, M. Thylstrup.NB,(2011). "Persuasive territories in European in cultural politics – critical and controlled khnowledgescapes" . *Library Hi Tech*, Vol. 29 Iss: 4